



25 اکتوبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

گپ از گپ می خیزد و در قبال آن حقایق روشن میشوند!

بازنشر یک اعلامیه تاریخی که 90 سال قبل بقلم امان الله خان غازی عنوانی محمد نادرشاه نوشته شده بود، موجب شد تا طی این سه هفته علاقمندان تاریخ معاصر کشور به نشر مقالات و تبصره های مهم در زمینه پیراوند و اوراق و اسنادی را ارائه دهند که کمتر کسی تا اکنون به آن دسترسی و یا از آن اطلاع دقیق داشته است. اگر همین اعلامیه باز نشر نمیشد، حقایقی که تقریباً یک قرن از نظرها ناپدید و روی آن پرده انداخته و حتی عمداً تحریف شده بودند، باز هم تاریک می ماندند و این یک جفای بزرگ در حق تاریخ کشور می بود.

جای شکر است که هنوز هم کسانی از نسل دیروز هستند که با نور فتنیله و چراغ بسوی تاریکی رویدادهای تاریخ می شتابند و با هزار زحمت میکوشند رسالت خویش را جهت روشن ساختن حقایق تاریخی بخصوص برای نسل جوان که در پهنای حوادث چند دهه اخیر از آگاهی لازم در زمینه برخوردار نیستند، انجام میدهند.

خوب بخاطر دارم وقتی تقریباً 70 سال قبل تازه به صنف چهارم در لیسه حبیبیه قدم گذاشتم، معلم صاحب تاریخ ما (خدا رحمتش کند)، در روز اول آغاز درس خطاب به بچه گفت: «هرکی گذشته را نداند، حال و آینده را نمیداند!» این گفته استاد همیشه برایم یک درس بزرگ بود و از همان وقت توجه مرا به آگاهی از تاریخ به خود جلب کرد و تا امروز با آنکه ساحه مسلکی من اقتصاد و علم الاجتماع (سوسیولوژی) است، اما رویدادهای تاریخی بخصوص در چهار دهه اخیر خواهی نخواهی مرا بسوی بررسی وقایعی کشانید که برای درک بهتر آن لازم بود به ریشه های گذشته مسایل عمیق شوم و با استفاده از اساسات رشته مسلکی خود که بالطبع با تاریخ بطور کل بی ارتباط نیست، به بررسی رویداد های تاریخ معاصر کشور بپردازم.

بسیار کوتاه فکری خواهد بود که اگر امروز درباره عروج مجدد طالبان صحبت کنیم، ولی از گذشته آنها در بیست قبل آگاهی نداشته باشیم یا ندانیم که چگونه طالبان در اثر ندانم کاریها و جنگ های قدرت طلبانه ای تنظیمها به حرکت آورده شدند و چگونه توانستند در آنوقت در کشور مسلط شوند؛ همچنان اگر به بررسی خلاهای رژیم خلقی و پرچمی زیر دستور شوروی و تهاجم قوای سرخ نپردازیم، باز هم نمیتوانیم از انگیزه های تشکیل تنظیمهای هفت گانه و شش گانه در بیرون کشور آگاه شویم. به همین ترتیب وقایع تاریخی که اغلباً در تسلسل رویدادهای قبلی قرار دارند، ایجاب میکند تا رابطه وقایع گذشته را با حال و آینده در نظر گرفت و بدون بررسی آن ها نمیتوان به عمق قضایای جاری پی برد.

تاریخ به این دلیل علم نامیده میشود که باید رابطه های علل و معلول حوادث و رویداد ها را بررسی کند و به سؤال چرا و چگونه با ذکر اسناد و شواهد مستند و معتبر و نیز با برهان و دلایل عقلی و منطقی جواب بگوید، در غیر آن همه گفته ها در باره گذشته اسطوره و افسانه خواهد بود. مسلم است که این وظیفه از عهده هر کس بر آورده نیست، مگر آنکه واجد اهلیت تحقیق و تدقیق علمی در زمینه باشد و بکوشد به اسناد و شواهد معتبر دسترسی پیدا کند و دقیقاً آن ها را بطور آفاقی، منصفانه و با امانتداری کامل مورد ارزیابی و نتیجه گیری قرار دهد.

بعضی از خود می پرسند که: «آیا افراد و اشخاصیکه رسانه های ملی از ادعا های در ارتباط فساد اداری شان که در دو دهه ای اخیر در میدیا درج گردیده است، نمی توانند بجای آنکه "دانشوری شانرا" در ارتباط اختلاف بین امان الله خان و نادر خان بخرچ میدهند، تحقیقات دقیق موجودیت فساد اداری را در بیست سال اخیر، بطور مثال در سفارتخانه ها و نمایندگی های افغانستان در خارج از کشور، به سمع مردم برسانند؟ آیا واقعا مردم افغانستان عزیز ما امروز کدام مشکلات دیگری اقتصادی-اجتماعی-سیاسی ندارند، که به اصطلاح "دانش" "دانشوران" ما بالای اختلاف نادرخان و امان الله خان تور خورده است؟»

باید در ارتباط با همجوارها و سؤالها باید گفت که: بلی! مسایل زیادی از آن گونه مشکلات در کشور وجود دارند که باید مطرح بحث شوند، ولی تحمیل اینکه غیر از مسایل جاری به موضوعات دیگر گذشته عطف توجه نشود، در حقیقت سلب اختیار شخص است که باید طبق هدایت فقط درباره مسایل جاری بنویسد و فراتر از آنرا حق ندارد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

باید تصریح کرد که در نوشته‌ها تبصره اخیر موضوع بحث شخص امان الله خان و نادرخان نبوده است، بلکه محتوای نوشته‌ها متمرکز بر رویدادهایی بوده است که در آنوقت در قالب اجراءات رسمی و دولتی بوسیله آن دو شخصیت که در راس امور کشور قرار داشتند، درپیش گرفته شده بودند. اینکه کی درنکر نام یکی از کلمه "اعلیحضرت" استفاده کرده و یا در پسوند نام دیگری کلمات "شاه"، "خان"، "سپهسالار"، "جرنیل" ویا "غازی" را علاوه کرده است، ازیکطرف مربوط هر نویسنده است واما ازطرف دیگرذکراین پسوندها گاهی مربوط به مقام، رتبه یا لقب رسمی میشوند که در اسناد ذکر شده اند.

مسلم است که امروز هرکس به توان خود میتواند و حق دارد به تحلیل های سیاسی درمسائل جاری بپردازد و در زمینه ابراز نظر کند، چون رویداد های سیاسی جاری هنوزبه تاریخ نیبوسته و به گفته بعضی ها سیاست هنوزدر قالب تاریخ درنیامده و گویا "علم زنده" است که بتوان به سؤالیهای چرا و چگونه آن با سند قاطعانه جواب گفت. اگر بدقت دیده شود، اغلب حتی همه ای بیانات و تحلیلی ها درباره رویدادهای سیاسی جاری بیشتربا حدس و گمان تحلیلیگر و برداشتهای او ازجریانهای روزبسته است. رویدادهای جاری وقتی دارای ماهیت تاریخی میشوند که زمینه های دسترسی به چون و چرای آن رویدادها در طول یک مدت فراهم گردد. ازاین نمیتوان انکارکرد که منبع و مأخذ در مورد رویداد های جاری اخبار، بیانات شخصیت های رسمی، تحلیل های منتشره درمطبوعات اعم داخلی و خارجی میباشد که هریک به نحوی از زوایه دید خود و یا روی منافع سیاسی، اقتصادی، دینی و یا فرهنگی خود در زمینه ابراز نظر میکنند و آنهم طوریکه بیشترماهیت جانبدارانه را دارند وکمتر منعکس کننده واقعیت ها میباشد. طورمثال اکنون طالبان یک موضوع را از دیدگاه خود ارائه میدارند، درحالیکه جناح مقابل برعکس آنرا، چنانچه این تفاوت نظرها را میتوان طور مثال در فیسبوک و دیگر نشرات به وضاحت مشاهده کرد که اکثر تحلیل ها به همین طور یا به یک سو و یا بسوی دیگر متمایل اند. البته دراین میان صاحب نظرانی نیزهستند که به هیچ جناح وابسته نبوده و تحلیل های شان با قضاوت آزاد توأم است و بعضاً آنها دارای مشام قوی سیاسی اند که میتوانند عمق مسایل را درک و تحلیل نمایند و دلایل خود را ارائه دارند.

اما ساحه کار یک محقق تاریخ روی مسایلی است که دیگر در معرض مشاهده و دید ما قرار ندارد و برای بررسی آن مسایل محقق باید به اسناد معتبر و قراین قابل باور مراجعه کند و چون و چرای هریک آنرا بسنجد و از صحت و سقم آن اسناد و قراین خود را مطمئن سازد. وظیفه ای یک محقق تاریخ است تا نخست خود را از نظر فکری در بستر زمان رویدار قرار دهد و بر طبق اقتضات آن زمان تفکر و تحلیل خود را عیار سازد. قضاوت براساس معیار های معاصر، محقق را ازدسترسی به واقعیت های عینی گذشته دور می سازد. محقق برای اینکار وجدا کردن سیاه از سفید وقایع تاریخی باید ترازوی عقل و دانش خود را بکار اندازد و بوسیله آن صحت و سقم نظریات ارائه شده توسط دیگران را ارزیابی کند؛ نظریات موافق و مخالف را طوری بررسی نماید که مستدل و آفاقی و نیزبا قضاوت منصفانه همراه باشد. اینجاست که نقطه عطف توجه یک محقق تاریخ با یک تحلیلیگر رویدادهای جاری ازهم متمایز میشود، به این معنی که تحلیلیگر مسایل جاری بیشتر روی برداشتهای شخصی از رویداد و حدس و گمان های خود نظر میدهد و اما یک محقق تاریخ می کوشد تا بر مبنای اسناد و مدارک معتبر به موضوع گذشته که اکنون دور از چشم دید ما قرار دارد، در جستجو و کشف حقیقت رویدادها بپردازد. یک محقق تاریخ باید مسئولیت کار خود را متقبل شود و حق دارد از نظریات خود دفاع کند. البته واضح است که نظریک محقق تاریخ باوجود اتکاء به اسناد معتبر و حفظ آفاقیت و موقف غیرجانبدارانه، باز هم به نحوی تحت تأثیرباورها برداشت هایش از رویداد های گذشته قرارداشته و از سهو خطا مبراء نمیباشد، لذا یک محقق تاریخ باید انتقاد پذیر باشد.

بعضی اوقات محدودیت اسناد معتبر کار بررسی یک موضوع تاریخی را با مشکلات روبرو می سازد و محقق از دریافت واقعیت عاجز می ماند. طورمثال ازقتل جان اف کنیدی رئیس جمهور فقید امریکا تا حال 60 سال میگذرد، اما تاکنون اسناد و مدارک دست داشته نزد دولت امریکا جزء اسرار بوده و افشا نشده است، لذا با وجود گذشت شش دهه هنوزهم قضیه در استحاله حدس و گمان قرار دارد و کمتر کسی میتواند با قاطعیت در زمینه صحبت کند. برعکس بعضی اوقات از چون و چرای یک رویداد تاریخی زودتر پرده برداشته میشود که کار یک محقق تاریخ را ساده تر می سازد. گاهی هم محقق مسایل تاریخی به دلیل فقدان اسناد معتبر دریک خلای فکری و تحلیلی قرار میگیرد و ناگزیر میشود مثل حل یک معمای مصور (پازل) ده ها قطعه و توته های ازهم جدای یک رویداد جستجو کند و آنها را طوری پهلوی هم بگذارد که با آن چهره ای قرین به واقعیت همان رویداد روشن شود یعنی از جز به کل برود. دراینکار دریافت جزها و توته های ازهم پاشیده یک رویداد مشکل عمده برای یک محقق است و او را وامیدارد تا به

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

ده ها مأخذ و مرجع معلوماتی روی آورد و از قراین، روایات و حتی شایعات در زمینه استفاده منطقی نماید و هریک آن اجزاء را مثل یک "پازل" مصور درکنار هم بگذارد و آنگاه در صورتیکه روایات و شایعات یک دیگر خود را نفیه نکنند، محقق میتواند آنها را به حیث یک سند حاشیوی برای کشف حقیقت مورد استفاده قرار دهد.

به هر حال سخن در کار تحقیق و تدقیق مسایل تاریخی مشکلات زیاد است و بررسی آن حوصله بسیار و کار دوامدار را ایجاب میکند که شاید پیگیری آن همه مسایل، برای بعضی ها خسته کن باشد و اما کسانیکه وقت خود را وقف اینکار "بی پاداش" می کنند، اگر مورد کم لطفی بعضی ها قرار میگیرند، نباید دل گزید و از ادامه کار خود منصرف شوند، بلکه به راهی که در پیش گرفته اند با حوصله به آن ادامه دهند و از انتقاد نهراسند.

مایه امید خواهد بود که شخصیت های وارد و آگاه وقتی چشم دیدهای خود و یا شنیدگی ها و خاطرات نقلی دیگران را کماحقه می نویسند، اینکار کمک زیاد به روشن شدن حقایق تاریخی میکند و محقق تاریخ میتواند از این نوع مطالب استفاده کرده و آنها در قالب "پازل" مطروحه خود جا دهد و در صورت همسوئی با دیگر نظریات آنها به حیث یک سند ضمنی مورد استفاده قرار دهد. به همین لحاظ اشخاص در هر ردیف و مقام با نوشتن خاطرات خود و نقل قولها از منابع قابل اعتماد میتوانند ممد حقیقت یابی مسایل تاریخی شوند. کسانیکه بررسی های تاریخی را نکوهش میکنند و آنها غیرلازمی میدانند و به ادعای اینکه باید به رویدادهای جاری عطف توجه صورت گیرد و رجوع به گذشته برای شان بی اهمیت جلوه میکند، متأسفانه درحق تاریخ جفای بزرگ را مرتکب میشوند.

این مختصر فقط یک عرض حال است که امید موجب برافروخته گی بعضی دوستان علاقمند به رویداد های جاری و بیزار از تحلیل های تاریخی نشود و این حق را بگذارد به هرکس که در چه مورد آرزوی تحقیق و تدقیق را دارد.